

(مروری بر کتاب یادنامه، خاطرات سفیر سابق اسرائیل در ایران)

از جولانگاه استر تا وادی صهیون

علیرضا سلطانتشاهی

من از خلافت اسلامی کناره نکرتم مگر به دلیل فشار و تهدیدات جمعی از روسای جمعیت اتحاد معروف به * جمعیت تورات * که به ترکی خلافت مجبورم کردند. اعضای این اتحاد اصرار داشتند که من یا تاسیس یک وطن قومی یهودی در سرزمین مقدس فلسطین موافقت نمایم. علیرغم اصرارشان به طور قاطع و صریح این مسئله را رد کردم. سرانجام آنان وعده یکصد و پنجاه میلیون لیره طلای انگلیس دادند و من ضمن رد آن، جواب قاطعی بدین شرح برایشان فرستادم: اگر علاوه بر یکصد و پنجاه میلیون لیره طلای انگلیس دنیائی پر از طلا به من بدهید، درخواست شما را بدون شک نخواهم پذیرفت. پس از این پاسخ، همه برخلاف من متفق شدند و سرانجام مرا به * ستانیک * تبعید کردند.

۲۲ سپتامبر ۱۹۲۹

عبدالحمید سلطان

امپراتوری عثمانی

شاید رابطه با هیچ کشوری به اندازه اسرائیل برای ایران تبعات سیاسی و اجتماعی نداشته باشد و شاید هم اهمیت این رابطه به اندازه اهمیت رابطه با هیچ کشوری در تاریخ روابط خارجی نباشد. گستردگی و ابعاد مختلف رابطه با اسرائیل در دوره پهلوی آنقدر زیاد است که تاکنون هیچ مرجع تحقیقی (اعم اشخاص حقیقی و حقوقی) حدود آن را معین نکرده اند و شاید هم هیچ وقت نتوان حدودی بر آن مترتب دانست. (اگر چه ۲۵ سال از قطع این رابطه می‌گذرد و آن همکاری تنگاتنگ، به رویارویی در خد و اندازه یک جنگ سرد تبدیل شده است). عده‌ای معتقدند که انقلاب در ایران و تحولات پس از آن و همچنین پیش‌بینی اسرائیلی‌ها از حتمی شدن سقوط شاه و خارج نمودن کلیه اموال مادی و معنوی و به ویژه اسناد (که بحث ما در این مقال است) از مهمترین دلالتی است که مانع از تعیین حدود این روابط شده است. لاجرم محققین و کارشناسان هرقدر هم به اسناد دسترسی داشته باشند نمی‌توانند مدعی باشند که تمام موارد را ذکر کرده‌اند. حتی اگر دولت جمهوری اسلامی نیز (صرف نظر از ملاحظات) تمام اسناد را منتشر نماید، ممکن است فقط به روشن شدن چشم‌اندازهای یک طرف رابطه کمک کند. اما طرف دیگر اسرائیل است و هزارها بحث ناگفته که حتی سران پهلوی هم از آن مطلع نبودند و یا حداقل به زوایای پنهان و آشکار این روابط و مقاصد و نیات طرف اسرائیل وقوف نداشتند.

اما دلیل طرح این مقدمه، معرفی یک منبع و یا کتاب از سوی طرف اسرائیلی است و آن هم پس از ۲۱ سال از قطع روابط دو طرف به قلم اولین سفیر اسرائیل در ایران.

این کتاب دو جلدی یا تمام ملاحظات و زیرکی‌هایی که تویسنده آن به خرج داده است، در نوع خود یک کتاب کم نظیر در این موضوع است. اولین کتاب از سوی طرف اسرائیلی یقیناً می‌تواند حاوی مطالبی باشد که بسیار زودتر از این، یعنی چهار سال گذشته باید موشکافی و بررسی می‌شد. به دلیل باره‌ای مشکلات نشد. حال در این زمان، قصد آن داریم که آن را تورق کنیم و با یک دید از صدها دید و نظری که ممکن است به این کتاب روا باشد، آن را به بحث بگذاریم.

قبل از ورود به بحث لازم است در ابتدا سروری بر دستاوردهای علمی و تحقیقی خود در این موضوع داشته باشیم. در واقع مطالب ذکر شده در کتاب را با یافته‌های خود سنجیم.

تاکنون (تیرماه ۸۲) چندین جلد کتاب پیرامون روابط ایران و اسرائیل به نگارش در

آمده است که محدود بودن آنها در مقایسه با وسعت موضوع، حداقل این فایده را دارد که در این مقال به آنها نظری اجمالی بیافزاییم. از سوی دیگر چون سیاحت یهودیان ایران کم و بیش به این مقوله مرتبط است کتاب‌ها و منابع مربوطه را نیز در این بخش مورد توجه قرار داده ایم.

به طور کلی کتاب‌های موجود به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف: کتاب‌های تاریخی در مورد یهودیان در ایران

۱- * تاریخ یهود ایران * (۳ جلد) نوشته حبیب لوی، نشر یهودا بروخیم

این کتاب از سهم‌ترین مراجع تاریخ نگاری یهودیان ایرانی است که در خارج از کشور توسط افراد دیگر بازنویسی شده که بنیاد حبیب لوی حمایت از آنها را بر عهده داشته است این کتاب هم چنین توسط جناب آقای شمس‌الدین رحمانی در کتاب پژوهش صهیونیستی (کتاب دوم) مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است.

۲- * ایرانیان یهودی *، نوشته علی اصغر مصطفوی، نشر بامداد، مطلب جدیدی به غیر از مطالب حبیب لوی، در این کتاب وجود ندارد.

۳- * ژرنالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران * نوشته عبدالله شهبازی، نشر موسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی.

این کتاب که پنج جلد از هفت جلد آن منتشر شده است مطالب ارزنده‌ای از تاریخ یهودیان ایران دارد که مرجع بسیار مفیدی برای مطالعات تاریخی است.

ب- کتاب‌های اسناد

۱- * روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۷ هـ. ش) * به روایت اسناد نخست وزیری، معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی، اداره کل آرشیو، اسناد و موزه، (احدای ۴۳ سند از سکائیات مقامات ایرانی و سفرای مقیم در کشورهای مربوطه پیرامون روابط ایران و اسرائیل).

۲- سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی اسناد استفاده شده در این کتاب که عمدتاً متعلق به ساواک می‌باشد یا تحقیقات مولف به شکل ماهرانه‌ای پرداخت شده است و در نوع خود مرجع ارزنده‌ای پیرامون سازمان‌های یهودی در ایران می‌باشد که عمدتاً فعالیت خود را در مهاجرت یهودیان و جمع‌آوری کمک‌های مالی برای صهیونیست‌ها متمرکز کرده‌اند.

- ۳- * ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل *، نوشته عبدالرحمان احمدی، نشر موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی
- ۴- * همکاری ساواک و موساد *، نوشته تقی نجاری راد، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- در کتاب مذکور مصدقی از این ادعا مبنی بر وجود اسناد بسیار زیادی از روابط اطلاعاتی موساد و ساواک می باشد که بخشی از آن در این دو کتاب به صورت گذرا ذکر شده است
- ۵- * استراتژی پیرامونی اسرائیل *، نوشته محمد تقی تقی پور، نشر موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی
- روابط ایران و اسرائیل به عنوان یک پایه از استراتژی پیرامونی در این کتاب از جوانب مختلف بررسی شده است
- ۶- * اسناد مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین * به کوشش مرضیه یزدانی، نشر سازمان سازمان اسناد ملی ایران
- ۷- * دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی * به کوشش رضا آذری شهرضایی، نشر سازمان اسناد ملی ایران
- در کتاب فوق از جمله کتاب هایی است که به مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین می پردازد. ضمن آنکه با ارائه اسناد به انتقال یهودیان آلمانی و عراقی به فلسطین از طریق ایران نیز پرداخته می شود. این دو کتاب در عین کیمیا بودن در بروهت این موضوع وسیع، به زعم گردآورندگانش دارای نقص است و می بایست تکمیل گردد
- ۸- * ایران و مسئله فلسطین *، نوشته علی اکبر ولایتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۹- * ایران و تحولات فلسطین *، نوشته علی اکبر ولایتی، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، نشر مرکز چاپ و نشر وزارت امور خارجه
- اگر چه کتاب دوم از پرداخت بهتری نسبت به کتاب اول برخوردار است ولی کماکان فاقد جامعیت موضوعی و اسناد موجود در وزارت امور خارجه می باشد
- ۱۰- اسناد لانه جاسوسی

در کنار کتاب های فوق یا ابتداء بر اسناد، کتاب های منتشره توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، پس از تسخیر لانه جاسوسی، حاوی مطالب ارزنده ای می باشد که در این بخش به صورت گذرا قابل تامل می باشد. از جمله آمریکا حامی اشغالگران قدس در

دو جلد و فلسطین در سه جلد

ج) کتاب های تحقیقی و تالیفی پیرامون روابط ایران و اسرائیل

۱- «دیپلماسی پنهان، جستاری در روابط ایران و اسرائیل در عصر پهلوی»، نوشته مرتضی قانون، نشر طبرستان.

به نظر می رسد مولف محترم کتاب، بیشترین زحمت را در جمع آوری تدوین و تالیف مطالب نسبت به سایر کتب متحمل شده است. اگر چه تنگناهایی را متحمل شده تا کسی بر کار نقص وارد شود ولی مؤلف زحمات شایان تقدیری را در این مسیر بر خود هموار کرده اند.

۲- مناسبات ایران و اسرائیل در دوره پهلوی دوم، نوشته علی صلاح نژاد، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

این کتاب با توجه به محل نشر آن، انتظار حلقین را آن گونه که باید برآورده نکرده و از جامعیت مورد نظر برخوردار نیست.

۳- «ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه»، نوشته دکتر امیر محمد حاجی یوسفی، نشر دانشگاه امام صادق.

این مجموعه اولین کتاب چاپ شده در ایران با ابتناء به یک دیدگاه آکادمیک است. ضمن آنکه بهره گیری مولف از منابع داخلی، اعم از اسناد و کتب، بسیار ضعیف بوده و عمده مراجع، خارجی و با موضوع تحقیق ارتباط غیر مستقیم دارند. در واقع نویسنده محترم با توجه به عنوان کتاب، به دنبال اثبات یک فرضیه می باشد تا ذکر مصادیق و اسناد.

د- خاطرات

۱- «سفر به ولایت عزرائیل» نوشته جلال آل احمد، نشر رواق. این کتاب در نوع خود سفرنامه ای جالب و قابل تامل است و به نحوی سیاست دستگاه پهلوی مبنی بر سفر اساتید و نویسندگان به اسرائیل و تاثیر پذیری از آن را بی اثر و یا حتی بر ضد دستگاه می کند.

۲- «خاطرات خدمت در فلسطین»، نوشته فضل الله نورالدین کیا، نشر آبی.

کتاب مذکور خاطرات نویسنده از ۵ سال دوران سامور پیش در فلسطین از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۵ به عنوان کنسول یار در فلسطین می باشد. مؤثر عزری از نویسنده به عنوان برادرزاده های حاج علی کیا و همکار در امر مهاجرت دادن یهودیان ایران به فلسطین یاد می کند.

در کنار کتب فوق، کتاب هایی به انتشار رسیده است که تنها بخشی از آن، به

روابط ایران و اسرائیل و یا یهودیان در ایران می پردازد از جمله:

۱- پژوهش صهیونیت (کتاب دوم)، نشر مرکز مطالعات فلسطین؛

۲- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، خاطرات ارتشبد فردوست ۲ جلد، نشر اطلاعات؛

۳- سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی*، نوشته عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر پیکان؛

۴- ایرانی که می تواند بگوید*، نه، نوشته رضا ثانی، نشر کانون اندیشه جوان؛

۵- نیرنگ سازی صهیونیسم*، نوشته مهدی رضوی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛

شاید بتوان با تاملی بیشتر و دیدی وسیع تر به این فهرست، عناوین دیگری را نیز اضافه نمود ولی جز اطاله کلام و دور شدن از محور بحث نتیجه ای در بر نداشته و علاقمندان باید رحمت بازیابی آنها را خود به تنهایی متحمل شوند.

۶- کتابهای عمدتاً فارسی چاپ خارج از کشور

۱- "توافق مصلحت آمیز"، روابط ایران و اسرائیل (۱۹۸۸-۱۹۲۸)، نوشته سهراب سبحانی، نشر شرکت کتاب، اوس آنجلس؛

نویسنده کتاب فوق با توجه به اوضاع بین المللی و تحولات خاورمیانه به تحلیل روابط ایران و اسرائیل در دوره پهلوی پرداخته است؛

۲- "یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر"، مجموعه مقالات، نشر مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی، کالیفرنیا؛

عنوان فوق در چهار جلد منتشره از مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی آمده است؛ هر یک از این چهار جلد ماحصل تلاش مسئولین مرکز با هدایت اصلی همکارانشان پس از چهار سمینار با همین عنوان می باشد؛

۳- "فرزندان استر" (Esters Children) نوشته هومن سرشار، نشر مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی (به زبان انگلیسی)؛

کتابی است مصور از اوضاع و احوال یهودیان ایرانی در دوره های مختلف تحت عناوین و محورهای خاص همچون مخامنشیان، آرامگاه استر، دانیال نبی، ساسانیان، جهودتجس، ادبیات فارسیهود، صفویه، اسلام و قرون وسطی، تصود پاپی، آلیانس، لباس و آرایش، نامداران، مادران و دختران، سلطنت پهلوی و انقلاب اسلامی.....

این کتاب بنا بر اطلاع واسطه توسط پنگ ناشر ایرانی ترجمه و در جریان مراحل پایانی برای چاپ می باشد.

۴- یادیاوند، مجموعه مقالات به سرپرستی آنتون تنصر - نشر مزدا، لس آنجلس، تاکنون ۲ جلد از این کتاب منتشر شده مطالب آن عمدتاً مقالات تاریخی و با تأکید بر فرهنگ و ادب یهودیان ایرانی می باشد.

۵- «کنجینه های طلانی»^۱، روح الله کهنیم، لوس آنجلس.

مجموعه فوق خاطرات مفصل نگارنده از یک عمر زندگی در ایران عصر پهلوی همراه با تصاویر متعدد می باشد. که در اندازه خود دائره المعارفی از معرفی یهودیان برجسته ایرانی است.

۶- «پول خون»^۲ نوشته آریدین مناشه - ترجمه دکتر مسعود انصاری، مولف این کتاب از افسران اطلاعاتی رژیم صهیونیستی بوده است و مناسبات ایران و اسرائیل به ویژه پس از انقلاب در عرصه نظامی و امنیتی را مورد بررسی قرار می دهد. نویسنده در این اثر، سعی دارد خود را آزاده و مستقل معرفی کند و در ضمن این مفهوم را القاء کند که اسرائیل پس از انقلاب، تأمین کننده سلاح برای ایران در جنگ تحمیلی بوده است.

کتاب هایی از مولفان خارجی

به غیر از کتاب های موجود به زبان فارسی، منابعی نیز به زبان انگلیسی و عربی در خصوص روابط ایران و اسرائیل موجود می باشد که به دلیل عدم دسترسی همگان از ذکر عنوان و بررسی آن می گذریم. در این میان شاید کتاب ساموئل یسگو^۱ از محتوایی قابل ابتها برخوردار باشد.

با رویت قریب به ۲۵ عنوان کتاب موجود در خصوص روابط ایران و اسرائیل و احوالات یهود که در ایران منتشر شده و ۵ تا ۶ جلد کتابی که با همین موضوع در خارج از کشور به چاپ رسیده است به جرات می توان ادعا کرد هنوز حق مطلب ادا نشده و همچنان افراد و سازمان هایی که می توانند، باید در این مسیر تلاش نمایند.

تاریخ تشنه تر از آن است که با اندک جرعه ای از این آب آن را سیراب کنیم. عطش موجود جز با غور در بطن این روابط و تلاش در دسترسی به اسناد و کتکاش در ایجاد آن

1- Samuel segev, ((the Iranian triangle)) the Free Press, New york, 1988.

از بین نمی‌رود و سوال اصلی آن است که اگر اسرائیل دشمن درجه یک از هر حیث است؟ با گذشت ۲۵ سال از انقلاب آیا وقت آن نرسیده که از عملکرد آن در تمام دوران پهلوی دریافت صحیح و مقرون به واقعی داشته باشیم؟ در حقیقت آیا این حق مردم ما نیست که بدانند، اسرائیل به بهانه‌های زبیا و فریبده تاریخ و هویت ما را مورد حمله قرار داد و نارائی‌های مادی و معنوی ما را در طول تاریخ روابطمان به تاراج برد؟

شاید با رویت و مطالعه دقیق کتاب خاطرات عزری به عمق این تاراج تاریخی پی ببریم، کتابی که تنها با ذکر خاطرات و عکس‌های متعدد پرده از حقایق می‌کشاید که تمام کتاب‌هایی که ذکر شد به یقین به چنین حدقی دست نیافتند و بنابر ادعای عزری، تازه این دو جلد کتاب، بخشی از آن حجم مطلبی است که دستگاه مربوطه، در اسرائیل نشر آن را پلانچ دانسته است:



و اما کتاب عزری - مشخصات کتاب:

کیست از شما از تمامی قوم او، یاد نامه،
 منیر عزری ۲ جلد، برگردان به فارسی ایراهام
 حاخامی، ویراستار بزرگ امید اورشلیم،
 نشر سال ۲۰۰۰ در قطع رحلی یا جلد آبی.

جلد اول، شامل ۲۵ بخش در ۳۶۰ صفحه با عناوین ذیل:

پیشگفتار • خانه پدرم در اصفهان • خلوت‌س در ایران • جهش از کتوهای مستمند
 • زندگی میان کورها • مهاجران ایرانی در آمیزش یا مردم اسرائیل • پیشکش
 دوستان در گوشه ای از شرکت شرم • استاد و آموزگارم، شادروان دکتر صوی دورنیل
 • در دایره های ساواک • دیدار دوباره با تیمسار سپهبد کیا • شاه کلید گشایند
 درب های بسته • گذشتن از دریچه ها و رسیدن به آن سوی دروازه ها • همکاری
 و پیوندی با نیروهای امنیتی • سرپوشی بر چشمه جوشان مهر روزنامه نگاران و
 نویسندگان • شیوه های پیوند رسانه های گروهی در ایران و اسرائیل پادزهری بر
 بیماری ناصریسم • اسرائیلیان، ایرانیان، موج پرکونیهای دشمنانشان • بهبود نام
 ایران میان باختریان • آشنایی‌هایم با شاه و دربار • نخست وزیران و دیگر سران •
 دوستی‌هایم با استانداران، فرمانداران و شهرداران • بیوتدهائی در دستگاه های
 پژوهشی و دانشگاهی • بده بستان با کیشمداران • میان کردها • پروژه های آبادانی

استان سیستان و بلوچستان • بهانی ها و اسرائیل •

جلد دوم، شامل ۲۵ بخش در ۳۵۰ صفحه با عناوین ذیل:

در کبر و نار احزاب ایرانی • یاری های اسرائیل در زدودن بیسوادی از ایران •
بازدیدهای دو سویه جوانان و دانشجویان • پیوندهای ورزشی و پیشاهنگی •
پیوندی با هنر و هنرمندان • همکاری هایی در رشته های پزشکی • یاری به ایرانیان در
رخداد های ناگهانی • یاری هائی به ایران در زمینه جهانگردی • پیکار در برابر
داروهای روانگردان • همکاری در زمینه پژوهش های گیاهشناسی • بازسازی هایی در
استان قزوین • کارآموزی کشاورزی در بالاترین رده ها • دوره های کارآموزی و گردش
های آموزشی • یاری به ایران در زمینه کشاورزی نوین • سدهایی بر نهرها و رودهای
ایران • پیشگیری از زیمان های کشاورزی در ایران • تلاش های بازرگانی ما در ایران •
پرواز ال عال در آسمان ایران • پاره ای همکاری های سربسته در زمینه نفت • ساختار
صهیونیسم در ایران • بر پائی آموزشگاه های اسرائیلی در ایران • یهودیان ایران و
سرناسان آنان • یهودیان سرافراز ایران و اسرائیل • دیگر کوشش هایم در بیرون از
ایران • یازده تن نمونه

مجموعاً در دو جلد کتاب مذکور ۵۸۰ قطعه عکس استفاده شده است (۲۵۶ قطعه در
جلد اول و ۲۸۴ قطعه در جلد دوم) عکس های مورد نظر یا موضوعات تیلی باشد.
تصاویر شخصیت های برجسته نظامی، سیاسی و امنیتی و یا مورد اشاره یهودی، اعم
از ایرانی یا اسرائیلی به صورت انفرادی • تصاویری از مجالس میهمانی عزری در
سفارت اسرائیل در تهران • تصاویر اشخاص و هیات های که از ایران به همراه عزری و
یا بدون وی به اسرائیل سفر کرده اند • تصاویر عزری در دوران مختلف زندگی در ایران
و اسرائیل • تصاویری از اسناد • تابلوها نمادها و نشان های دولتی • تصاویری از
ایرانیانی که در اسرائیل آموزش های مختلف دیده اند.

استفاده از این تعداد عکس در این مجموعه با این قطع و صفحه در نوع خود بی نظیر
است و احتمال آن وجود دارد که این تعداد هم گزینه ای از یک آرشیو بزرگتر باشد. از میان
تصاویر مورد استفاده عزری، در کتاب عکس سه تن بزرگتر از همه در یک صفحه به
صورت مستقل آمده است. اول دکتر صوی دورنیل است که عزری نسبت به وی احترام
خاصی قائل است. دوم حاج علی کیا می باشد که عزری از وی به عنوان شاه کلید درهای

بسته یاد می کند و سومین فرد موشه کتسائو رئیس جمهور فعلی اسرائیل است که ایرانی زاده و اهل یزد می باشد^۱

تصاویر مورد استفاده بسیار ارزشمند و راهگشا است و در بعضی اوقات مشخص کننده بسیاری از حقایق می باشد که البته در منابع مورد اشاره ما در ابتدای این مقال، این مهم بسیار مغفول مانده است^۲

در واقع هیچ یک از کتاب های مستند در مورد روابط ایران و اسرائیل چاپ داخل کشور، از این حجم تصویر و عکس استفاده نکرده اند. البته نباید این نقص را به حساب فقدان این تصاویر در منابع آرشیوی گذاشت، بلکه مهمترین دلیل فقدان کامل بجا و از دست دادن فرصت ها و شتابزدگی است که کریبانگیر مسئولین امر در این مهم است. چرا که بسیاری از این تصاویر به عنوان یک سند تاریخی در بسیاری از منابع تحقیقی مورد استفاده و حائز اهمیت در ردیف یک سند مکتوب است^۳

از میان کتب منتشره در ایران تنها در کتاب «سراب یک ژنرال»^۴ تصاویری از موشه دایان به هنگام سفر به تهران آمده که در نوع خود تصاویر بی نظیری است و البته نشانگر دقت و ظرافت ناشرین آن کتاب^۵

سبک نگارش متن

منیر عزری و یا شاید ویراستار کتاب، تحسناً در کل کتاب از بکار بردن حروف عربی در متن اجتناب کرده است^۶ دقت و وسواس در این مقوله به حدی شدید است که در بعضی اوقات باعث می شود که کلمات شکلی مضحک به خود گیرد همچون نوشتن کلمه فلسطین به صورت فلستین و یا در بسیار از موارد از واژه تازی به جای عرب بهره می جوید^۷

البته فارسی و به عبارتی صحیح تر از منظر عزری پارسی کردن کاسل متن در راستای زدودن ظواهر اسلامی از تمام یافته های ایرانی عزری است. گویی وی یا این شیوه نیت درونی خود نسبت به اسلام و فرهنگ و ادب اسلامی را نشان می دهد و کم نیست مواردی که وی دشمنی خود را با اسلام راستین در کتاب مطرح می نماید. البته هیچ وقت هم از تمجید اسلام به سبک اسرائیلی دست برنداشته و آن زمانی است که بعضی روحانی نماها از موجودیت اسرائیل دفاع کرده و به آن مشروعیت بخشید^۸ اند.

میزان اطلاعات دهی عزری و روش وی^۹ اطلاعات ارزشمند ارائه شده در متن بسیار پرآکنده و در کل متن نامرتب و بی نظم است. این احتمال وجود دارد که عزری با اشاره های

نگرانی و پراکنده‌گویی و حتی ذکر اسامی به صورت اختصاری همچون م^۱ح بر آن است تا اولاً مقصود خود را بیان کند و ثانیاً مضار ممکن برای خود و اسرائیل را به حداقل ممکن برساند و در نهایت موجبات زحمت و نگرانی را نیز برای آن دسته افرادی که در ایران هستند و با عزری و فعالیت های وی همراه بوده‌اند، فراهم نماید.

با این توصیف اصلاً نمی‌توان به مجموع ۵۰ بخش، تقسیم‌بندی شده از لحاظ موضوع‌بندی دقیق کتاب، اطمینان کرد. چه بسا مطلب ارزشمندی در بخش غیر مرتبط وجود داشته باشد که مخاطب اصلاً متوجه آن نشود.

این شیوه نگارش حاکی از هماهنگی عزری با دستگاه امنیتی در انتشار مطلب می‌باشد. که هم اطلاع‌رسانی هدف است و هم خط‌دهی و هم جعل تاریخ و قلب حقایق، از همین رو مخاطبین کتاب در صورت نداشتن اطلاعات ولو اندک و کلی ممکن است در دام فکری عزری افتند. چرا که انتشار این حجم مطلب و عکس که در مقایسه با منابع داخلی بسیار گران‌سنگ می‌نماید، هر علاقمندی را مشتاق مطالعه و یا حداقل تورق این مجموعه می‌کند.

البته در کنار ویژگی‌های مثبت این اثر معایبی هم وجود دارد از جمله به کار بردن واژه‌ها، اسامی و بعضی کلمات با دیکته‌های متفاوت در عین استفاده از حروفی نسبتاً مناسب در حروفچینی و رعایت نقطه‌گذاری و حتی بدون غلط بودن متن.



صحن عزری در وزارت عالی

تولد و دوران تحصیل عزری



حاجی ابراهام بن عزرا، پدر بزرگ خانواده عزری

وی در نوم مارس ۱۹۲۳ برابر با جشن پوریم^۱ ۵۷۸۳ (او مطابق با ۱۳۰۲ شمسی) در اصفهان بدنیا آمد. نام پدرش صیون و پدر بزرگش ابراهیم فرزندی عزرا بوده است و نام مادرش حفا که در سال ۱۹۹۹ در بیت المقدس از دنیا می رود. در ابتدا نام وی را ربی منیر می گذارند که به مرور زمان ربی آن حذف شده منیر می خوانندش. وی دو برادر به نامهای آلبرت و بن حور و یک خواهر بنام استر دارد.^۲ منیر نام عمومی عزری بوده است که یک هفته قبل از تولد عزری به طرز مشکوک و دلایل نامعلوم توسط کارگزارانش در رشت، کشته می شود. به همین مناسبت نام وی را بر عزری می گذارند. عزری نام فامیل خود را یاری دهنده معنا می کند.



عموی عزری

عزری بر آن است تا با ذکر مستندات تاریخی از منابع متعدد، اصفهان محل تولد خود را اساساً شهری یهودی بنامد که زمانی نام یهودی را با خود داشته است و حتی اثبات این ادعا، به کشف تخته سنگی که در آن بر پیشینه یهودیان در این شهر دلالت دارد، کشیده میشود. عزری در عین بائیدن به این شهر به عنوان محل تولد خود، از نامالایمات متعددی که بر یهودیان در این شهر در طول تاریخ رفته است نیز یاد می کند و در همه حال بر آن است

^۱ عید یا جشن پوریم از آن جهت برای یهودیان مایه سرور است که به دنبال فرمانی که مورد خای آمرده خای پسرعموی استر، ملکه یهودی خشایارشا از وی می گیرد. ۷۵۰۰۰ نفر از ایرانیان، قبل از اینکه تعرضی به یهودیان کنند، قتل عام می شوند. شرح مفصل از این جریان را می توان در سورات یا عهد عتیق باب استر، مشاهده کرد. و با برای اطلاع بیشتر به کتاب های قانونی ناشی مراجعه نمود. در حال حاضر مقبره استر و مورخای در همدان، از مکان های مهم یهودیان به شمار می رود.

که یهودیان را در این تاریخ پر دردورنج سحق جلوه داده و غیر یهودیان را سنگدل، بیانه جو، بت پرست و یاغی خطاب نماید، روشی که اکثر مورخین و محققین یهودی برای اثبات وجود یهود ستیزی به دروغ در مطالب خود ترویج می کنند.



سر فرید آفشاری

در مورد پدر عزری که بسیار در این کتاب از وی تسبیح شده است نکات خوانمندی وجود دارد. او از نخستین شاگردان آلیانس در سال ۱۹۰۶ میلادی و مسلط به زبان فرانسه و روسی بود. چهار سال در اداره عالییه اصفهان مشغول بوده که به دلایل نامعلوم کناره گذاشته می شود و بعد از آن در سال ۱۹۴۱ در اداره تریاک اصفهان جذب می شود و باز هم بنا بر قول عزری به کارش پایان می دهند و نهایتاً مترجم و دستیار سرسپیدی آرمیناژ اسمیت نماینده بریتانیا در وزارت اقتصاد می شود. به قول عزری - سرسپیدی پیرو پیمان ۹ اوت ۱۹۱۹ که میان وثوق الدوله و دولت انگلیس بسته شده و به راستی خساری در چشم مردم ایران بود (آیدنامه، جلد اول، ص ۱۸)

پدر عزری پس از یک دوره بلند همکاری و رفاقت نزدیک با آرمیناژ به اسرائیل سفر می کند و پس از بازگشت به دادوستد عتیقه می پردازد. اودریک معامله، یک نسخه از شاهنامه فردوسی در سه جلد را که به مینیاتور آراسته شده بود به ۳۰۰ تومان خریداری کرده و بنا بر ترفندهایی که دستگاه شهربانی و قضائی را به آن مشغول کرده بود، موفق می شود این دستاورد فرهنگی ایران را به خارج از کشور منتقل و به کلکسیون خاندان روچیلد اضافه نماید. عزری معترف است که تنها یک برگ ۴۰ در ۶۰ سانتیمتری از این کتاب در سال ۱۹۷۲ در لندن به ۲۵۰۰۰۰ پوند استرلینگ فروش می رود. (آیدنامه، جلد اول، ص ۲۲)

بعدها عزری در ادامه این عشی پدر موفق بر خروج یک لنگه درب بسیار ارزشمند که به هنرهای متنوع شهر اصفهان مزین بوده به اسرائیل می‌شود.^۳

عزری معتقد است که پدرش از بنیانگذاران جنبش صهیونیسم در اصفهان است و با سران صهیونیسم از جمله بن‌گوریون و بن صوی و سایر شخصیت‌های معروف صهیونیستی آشنایی و رفاقت داشته است.

از جمله فعالیت‌های مهم عزری در کنار پدرش پس از تحصیل در سیتاوت مموریال کالج اصفهان، که از آموزشگاه‌های مطرح ایران بود و بسیاری از همکاران دوران سفارت وی در آن تحصیل می‌کردند، سازماندهی مهاجرت یهودیان از ایران به فلسطین در این مکان ساماندهی می‌شد.

در واقع عزری همراه با پدر از ایران پلی برای یهودیان منطقه از جمله اروپای شرقی، روسیه و عراق ساخته بودند که به راحتی آنها را به فلسطین مهاجرت دهند. در این میان بسیاری از شخصیت‌های ایرانی از جمله غلامحسین ابتهاج رئیس شرکت هواپیمایی ملی ایران و رئیس بعدی سازمان برنامه، کمک‌های ویژه‌ای به یهودیان صهیونیست ایرانی کردند.

از سوی دیگر مامورین کم‌رک در خروج اسباب همراه یهودیان، نهایت همکاری را با صهیونیست‌ها کردند و اشخاصی همچون سرهنگ حاج علی کیا^۴ که بعدها به بالاترین مناصب نظامی رسید، نیز مساعدت فراوانی به یهودیان و تیم مدعی عزری کردند و به این صورت موجبات مهاجرت ۳۰ هزار نفر یهودی عراقی از تهران توسط عزری و پدرش فراهم شد.



پایانی از زمان فرونگ در خانه بسیار کی

۳. این درب به ادعای عزری شش هفت متر ارتفاع داشته و ارسته به زیباترین کفچه کاریها و ششمهانی رنگی بوده که «رسمی» خوانده می‌شد. قدمت این درب‌ها به سیمده تا چهارصد سال گذشته برمی‌گشت و در حالیکه محمدعلی قزلباشی، دانی فرج آن را از یک عشیقه فروش برای خانه خود خریده بود. با ادعای عزری مواجه می‌شود که آن را متعلق به شایه پدری خود در اصفهان می‌داندست قزلباشی نیز چون بنا عزری رفت و آمدهای خانوادگی داشته و از دوستداران اسرائیل بوده. این درب‌ها را به خریدی سرافروخت و عزری نیز در سال ۱۹۶۶، آن‌ها را به اسرائیل منتقل فرستاد.

شاید در کتاب عزری مطالب جالب و تازه ای از تحوّل مهاجرت یهودیان عراقی و یا بچه های تهران که در گورستان بهشتیه مستقر بودند بیابیم. اگر چه به این موضوعات به نحوی در کتب اسناد مهاجرت یهودیان ایرانی به فلسطین، یا دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی و یا در کتاب های مرکز تاریخ شفاهی یهودیان اشاره شده است.

بخش چهارم از کتاب عزری به مهاجرت خانوادۀ وی به اسرائیل در سال ۱۹۵۰ اختصاص دارد و اینکه پدر وی^۱ در خیابانی با نام بالفور در بیت المقدس اسکان یافته و عزری نیز به فعالیت هایی در عرصه سیاسی و اجتماعی، به ویژه در میان یهودیان ایرانی می پردازد. از جمله تأسیس روزنامه «سقاره شرقی» به زبان فارسی و ارسال ۵۰۰ نسخه از آن به ایران برای یهودیان ایرانی، در کنار آن، تأسیس رادیو اسرائیل به زبان فارسی و تحت پوشش قرار دادن یهودیان ایرانی بسیار مهم است. در واقع عزری به دنبال آن است که ۱۰ تا ۲۰ هزار یهودی باقیمانده در ایران را با این دو رسانه در جریان تحولات اسرائیل قرار دهد و به نحوی آنها را مشتاق به مهاجرت به اسرائیل نماید.

به طور کلی دوران استقرار عزری پس از مهاجرت به اسرائیل هشت سال است و وی در این هشت سال، علاوه بر فعالیت در عرصه رسانه ای به فعالیت در عرصه سیاسی در چارچوب «حزب سپای» هم می پردازد. به گونه ای که همواره تا آخرین روزهای مأموریت خود در ایران این زمینه وجود داشته است که وی به محض بازگشت به اسرائیل به رده های بالای حزب جهت احراز پست نمایندگی در کنست و یا حتی پست وزارت نائل خواهد شد.

به هر ترتیب عزری پس از هشت سال اقامت خود در اسرائیل با مطرح شدن دگرترین پیرامونی و اهمیت یافتن کشورهای غیر عرب منطقه در منظر اسرائیل، با توصیه های حساب شده بن گورین به ایران می آید و مأموریت خود را همراه با «میرسام» همسرش در ایران آغاز می کند.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که گویا میرسام تمایلی به تمدید مأموریت عزری در ایران نداشته است، به ویژه اینکه حتی یکبار در ایران نیز به بیماری تیفوس مبتلا شده بود. در واقع نامه های مکرر سران اسرائیل به همسر عزری از خسته نامه کلدامیر به وی، موجب

۱- پیرامون سرهنگ حاج علی کیا رجوع شود به گزارشی در همین شماره نشریه

۱. پدر عزری در سال ۱۹۶۱ در اسرائیل از دنیا می رود.

تحمل این دوران می شود.



عزری - گلد اما بر - آمون تقصیر

در بخش پنجم عزری ابتدای کار خود را در ایران تشریح می کند و اینکه برای این مأموریت رسمی که عنوان سفید هم در پی دارد، هیچ استوار نامه ای رد و بدل نمی شود و وی به عنوان یک فرد عادی یهودی در گوشه ای از دفتر یک شرکت به نام "شرم" در خیابان لاله زار کار خود را آغاز می نماید.

در ابتدای این مسیر، که خود نیز از آن به عنوان دوران تشویش و سرگردانی یاد می کند، افرادی همچون دکتر "دورنیل" و "موسی کرمانیان" و یا "ابراهیم یاحید" همراه وی بودند و او را در این مأموریت کمک می کردند.



ابراهیم یاحید

از دکتر دورنیل مطالب تازه و جالبی در بخش ششم کتاب ذکر شده است عزری به وی ارادت فراوان دارد و در تمام دوران مأموریت خود در ایران از خدمات و راهنمایی های وی بهره جسته است.

دورنیل در ایران کار اقتصادی می کرده است و به زبان های آلمانی، فرانسه، عربی، انگلیسی و روسی آشنا بود. وی از جمله افراد هیات دریافت غرامت از آلمان بوده و نمایندگی یک سرمایه دار عتیقه باز به نام "ایوب ربنو" در ایران را داشته است. غارت اشیاء

نمایندگی یک سرمایه دار عتیقه باز به نام "ایوب ربنو" در ایران را داشته است. غارت اشیاء عتیقه و باستانی ایران توسط یهودیان، داستانی بلند و ناتمام است و افسوس که کار مستقلی در این باب تاکنون انجام نشده است.

نزدیکی عزری با ساواک موضوع بحث بخش هفتم کتاب است در این بخش تا حدودی به این مسئله پی خواهیم برد که اسرائیل برای آغاز فعالیت خود در تهران در چهار سطح - اقتصادی - سیاسی - نظامی و امنیتی - المراد متفاوتی را اعزام کرده بود که عزری مسئولیت سیاسی این شایندگی را بر عهده داشت و به عنوان مثال «یعقوب نیمرودی» وابسته نظامی بود و «اویگدور باروف» نماینده موساد.



پهلوی از ژنرال باروف در خانه سوهنگ نیمرودی

همچنین به این نکته پی خواهیم برد که عملاً این چهار تن یا بیشتر با هم ارتباط تنگاتنگی نداشته و خود راملزم به اطلاع از فعالیت یکدیگر نمی دانستند و بعضاً رقابتی هم میان آنها وجود داشته است^۱ اما هیچگاه در وظایف مربوط به هم دخالت نمی کردند. در این میان شاید رفتار نیمرودی به عنوان وابسته نظامی برای عزری کمی سنگین به نظر برسد و شاید از همین روست که وقتی برای اولین بار عزری به ساواک احضار می شود از آن می ترسد؛ با اینکه می دانست شاکله ساواک توسط موساد ریخته شده و عوامل یهودی در تقویت آن نقش به سزائی داشتند^۲.

در کل کتاب، به ویژه در بخش هفتم عزری از روابط خود با ساواک مطالب قابل اعتنایی ذکر نمی کند؛ تنها به این نکته اشاره می شود که عزری در برخورد اولیه با ساواک خود را نماینده ستاره شرق در ایران می نامد و نمی دانیم که چطور می شود، بختیار به

۱. در کتاب «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» جلد اول و دوم مطالب بسیار ارزنده‌ای از نقش موساد در تقویت ساواک ذکر می‌شود.

عنوان رییس ساواک از اسرائیل دیدن می کند -

عزری یا بختیار هم ارتباط داشته است و حتی از سوی ساواک به وی پیشنهاد کمک مالی می شود - ولی ظاهراً عزری از آن امتناع می کند !!! اما ارتباط وی با فرد رقیب بختیار ، در اطلاعات ارتش ، زیادتر است ، فردی که از وی به عنوان شاه کلید یاد می شود و عزری بسیار به وی علاقمند است و شاید این علاقه به دورانی برگردد که این فرد در زمان سرهنگی خود به کمک یهودیان مهاجر از ایران شتافت ، فردی به نام "حاج علی کیا" که بخش هشتم و نهم کتاب تنها در مورد وی می باشد -



عزری - دینشتاین
 و نیمروزی

در بخش نهم عزری ضمن توضیح ابعاد روابط و ملاقاتهای روزانه خود با حاج علی کیا به ذکر پیشینه چند شخصیت یهودی الاصل در ایران می پردازد - از جمله "علی اصغر حکمت" که از سر ناچاری به اسلام گرویده است - گویی از انوسیها^۱ بوده و واسطه آشنایی عزری با وی در دوران وزارت خارجه ، کیا بوده است - ذکر از یهودی الاصل بودن "ابراهیم قوام"^۲ قوام الملک شیرازی^۳ که پسرش داماد رضا شاه می شود یا یهودی بودن "محمدعلی فروغی"^۴ و "مظفریان"^۵ قابل تأمل است - عزری معتقد است که دلیل عنوان ذکاالملک برای فروغی آن است که وی از خانواده بزرگ یهودی در اصفهان به نام ذکائیم است -

عزری در این بخش به این مهم اشاره می کند که هر روز با کیا ملاقات داشته است و

۱- ظاهراً رد و بدل کردن پول در ساواک در ازای اطلاعات، روبروئی مرسوم بوده است چرا که فردیست نیز در خاطرات خود الاصل می کند که یعقوب نیمروزی در ازای خدمات آرایه شده، زجوهی را به دست اندرکاران می برداشته است - ا ظهور و سقوط - جلد اول - ص ۳۶۱

۲- انوسیم (ANUSIM) معنی مهم در یهودیت است - در واقع هر یهودی که با اجبار به دین دیگری بگردد، توتس یا انوسی خطاب می شود - این عده از یهودیان مجبور هستند که در ظاهر به آداب و عقاید و مناسک دین خود پایبند باشند - ولی در خلأ همپوشان آیین یهودی خود با برجا می آید - این عده زندگی در دو شکل را تجربه می کنند و اگر به آنها در نام، رفتار، گفتار و ... مشهور است - دعای از انوسیها حتی برای نشان دادن صداقت خود در دین جدید از جمله اسلام، به حج هم رفتند - انوسیها در ایران را جدیدالاسلام می نامند - در ترکیه نومیته انوسیهای سیهی را بطوراً زانو خطاب می کنند - تحقیقات حاصل از بررسی بحث انوسیم در آینده ای نزدیک به ناری جانوند، تعالی توسط نگارنده، در قالب یک مقاله آرایه می شود -

برای اینکه این ملاقات‌ها حساسیت برانگیز نباشد، ساعت ۵ تا ۶ صبح در دفتر کار کیا به عنوان رییس اطلاعات ارتش این جلسات برگزار می‌شد.



تیمسار فریدون جم، خانم تیمسار لویسی در جشن استقلال.

کیا در میهمانی‌ها، موجبات آشنایی عزری با سران را نیز فراهم می‌کرده و در هر زمینه‌ای کلید راهگشای عزری برای ورود به عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و آموزشی و کشاورزی در ایران بوده است. کیا به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی و سوئدی آشنا بود و این توانایی که به عزری برای برقراری ارتباط به ویژه با اتباع و شخصیت‌های خارجی بسیار موثر بود.

کیا اولین بار در سال ۱۹۵۸ با درجه سپهبدی به اسرائیل مسافرت کرد و با «بن گوریون»، «موشه ساسون»، «اسحاق رابین»، «عزرا دانتین» ملاقات نمود. شاه از این سفر و پیامدهای آن اظهار خشنودی میکرد و از سوی دیگر اسرائیلی‌ها نیز از نتایج آن بسیار راضی بودند. حتی عزرا دانتین بعدها در کتاب خود به نام «صهیونیست راستین» از کیا به عنوان «دوست» یاد می‌کند. (یادنامه، جلد اول، ص ۱۰۲)

چرا که پس از آن، راه مسافرت مقامات ارشد نظامی به ایران هموار شد و اولین سفر

توسط «یهودشافظ هرکاوی» هم رده کیا در اسرائیل اتفاق افتاد. وی با شاه نیز ملاقات کرد و مشروح این دیدار بعدها در روزنامه «داوار» منتشر شد.



پنجبرائی از ژنرال هرتسوک در خانه تیمسار کیا

بعدها پس از برکنار هرکاوی از اطلاعات ارتش اسرائیل، حیم هرتسوک رییس جمهور آتی اسرائیل سفرهای خود به ایران را ادامه داد و هر شش ماه یکبار این دیدارها تجدید می شد. نتایج این سفرها را می توان به بسط روابط نظامی در موارد ذیل خلاصه نمود:

الف: خرید و فروش اسلحه اعم از سبک و سنگین

ب: تبادل اطلاعات نظامی از وضعیت کشورهای نظامی

ج: آموزش نیروی نظامی

عزری به دنبال تغییر و تحولات دفاعی و برکناری کیا از منصب خود و جایگزینی «عزیزالله کمال» که تنها فارسی می داند، اظهار تاسف می کند. گویا وی از این بابت برای منافع اسرائیل شدیداً احساسی خطر می کند. ولی در صقحات بعد هیچ موردی حاکی از کاهش سطح روابط، حداقل در عرصه نظامی دیده نمی شود و سفرهای مقامات دو کشور مرتباً انجام می شده است. تقریباً تمام نخست وزیران اسرائیل در زمان صدارت خود در

۲- مشروح دیدار ۲۵ دقیقه‌ای شاه با هرکاوی در هشتم اوست. ۱۹۸۰ در روزنامه داوار برای اولین بار منتشر شد. شاه در این دیدار از سران اسرائیل خواسته بود، آمریکایی‌ها در برابر فرود و فرازهای خاورمیانه هوشیارتر عمل کنند. قضای پای سیاسی بود که در دوره کارتر برای تجویز به ایران ارایه شد.

دوران روابط ایران و اسرائیل از ایران دیدن می کنند، ولی از ایران در این متحصب، هنوز سندی وجود ندارد. الا اینکه افرادی همچون اسدالله علم خارج از دوران نخست وزیری به اسرائیل رفته باشد. در واقع ایران به شدت نگران افشا شدن سطح روابط ایران و اسرائیل بود، فلذا از طرف اسرائیل نیز موکداً می خواست که پنهانی بودن این روابط در تمام سطوح حفظ شود. ولی اسرائیل به دنبال شکستن فضای تنگ اطراف خود بود و تمایل داشت با درز هر چند وقت یک بار این روابط در سطح رسانه ها، اولاً ایران را در مقابل عمل انجام شده قرار دهد، ثانیاً با ایجاد فاصله میان ایران و کشورهای اسلامی، ایران را به خود متمایل و وابسته نماید.

بخش یازدهم این کتاب به تشریح سطح روابط نظامی ایران با اسرائیل در تمام موارد می پردازد. یقیناً در این میان بیشترین صحبت ها مربوط به یعقوب نیمیرودی به عنوان وابسته نظامی اسرائیل در ایران و توفانیان، مسئول تهیه اسلحه و تجهیزات برای ارتش ایران است. برای اطلاع از عمق این روابط بد نیست که بدانیم ایران حتی چراغ های راهنمایی را نیز از اسرائیل وارد می کرده است.



تیسار توفانیان، عزری و هسروی

بخش دوازدهم یکی از جالبترین بخش های این کتاب است. در این بخش عزری مدعی است که اولین فرد می باشد که از قانون دو تابعیتی ایران استفاده کرده ضمن آنکه برای وزارت خارجه در این مقوله هم مشکلات فراوانی به وجود آورده است. وزارت خارجه ای که همواره مخالف سرسخت علنی سازی روابط ایران و اسرائیل بوده است.

مناسبات دیپلماتیک، از تاسیس سفارت ایران در اسرائیل در قالب سفارت سوویس و یا خرید خانه قوام به عنوان سفارت در ایران و اعزام «ابراهیم تیموری» به اسرائیل شروع می‌شود و به تب و تاب این روابط تا سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) و تعویض سامورین در طرف به شرح ذیل می‌انجامد:

سفرای اسرائیل در ایران

←	۱۹۷۲	←	۱۹۵۸	منیر عزری
				۱۵ سال
←	۱۹۷۸	←	۱۹۷۲	اوری لوبرانی
				۵ سال
←	۱۹۷۹	←	۱۹۷۸	یوسف هارملین

عزری معتقد است اسحق سگب آخرین وابسته نظامی اسرائیل در ایران همراه با هارملین تمام اسناد را از ایران خارج می‌کنند، ضمن آنکه حتی یک نفر از کارمندان مستقر در سفارت اسرائیل در ایران نیز به دست انقلابیون نمی‌افتد و همگی از ایران فرار می‌کنند.^۱ سفرای ایران که تحت پوشش سفارت سوئیس در اسرائیل و در شهر اورشلیم مأمور بوده‌اند نیز بنا بر نظر عزری به ترتیب ابراهیم تیموری، محمد صادق صدریه و فرخ و مرتضی مرتضایی می‌باشند که البته تیموری چند بار تمدید و دوباره به این منصب برگزیده شده است.^۲

عزری در بخش سیزدهم از تلاش بی‌وقفه خود برای برقراری ارتباط با روزنامه نگاران ایرانی سخن می‌راند و در این مسیر از تلخی نتایج این تلاش در مورد روزنامه کیهان، به عنوان یک تجربه فراموش نشدنی نام می‌برد.^۳

وی سپس به ذکر نام افرادی که به اسرائیل سفر کردند و پس از بازگشت در تشریحات

۱. در کتاب سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی (صفحه ۱۰۸) آمده‌ست که از کتاب سامورین استخراج شده است.

۲. روز ۲۲ بهمن که اتفاقات پیروز شد، سفارت اسرائیل در تهران مورد حمله ۱۱ قوام گرفت. در این هنگام ۲۳ اسرائیلی در تهران کشته شدند. (۱) و برای تعیین جان خود از مقامات نظامی مسوون قزوینگی کمک می‌خواستند... (۲) این گروه در رمس دائمی یا اسرائیل بودند و مراتب کسب تکلیف می‌کردند. سرانجام مقامات اسرائیل تصمیم گرفتند از مجرای دیپلماتیک برای نجات آن‌ها اقدام کنند. نظر به اینکه «هارولد بلون» وزیر دفاع آمریکا به دستور اربابانی اهمیت سقوط شاه و پیروزی انقلاب ایران به خاورمیانه استعد و در دست‌انظاری به سر شریب، نوش‌آبادان با وی مذاکراتی به عمل آورد و او موافقت کرد که اسرائیلی‌ها همراه با شایع آمریکایی در ۲۲ بهمن از ایران خارج شوند. به همین ترتیب عمل شد و اسرائیلی‌ها با یک هواپیمای مسافری به فرانکفورت و از آنجا به اسرائیل رفتند.^۳

خود از نتایج مثبت این سفر گفته اند می پردازد و سپس به ذکر نام روزنامه نگاران اسرائیلی می پردازد که به ایران سفر کرده اند و تحت همین پوشش به تمامی اهداف خود رسیده‌اند. نکته جالب و در عین قابل تأمل از این واقعیت مصاحبه «رون بن ایشای» کارشناس یهودیت آهارتوت با «صدام حسین» در هتل عباسی اصفهان در کسوت یک روزنامه نگار اروپایی است.

بخش چهاردهم، فعالیت عزری در عرصه فرهنگی و علمی را بازگو می‌کند و اینکه وی سعی می‌کند با بکار گرفتن افرادی همچون «منوچهر امیدوار» افعال در رادیو اسرائیل و نشریه عالم یهود و آمنون، نقصر به تقویت بعد علمی نیز بپردازد. انتشار کتاب‌هایی همچون «شرکت‌های تعاونی در جهان و اسرائیل»، «تعاون در اسرائیل»، «اسرائیل و کشورهای در حال توسعه» توسط نگارنده رویت شده است. «حقایق درباره اسرائیل»، «دگانی»، «جنبش تعاون در جهان و ایران» (دو مورد اخیر هم توسط نگارنده رویت نشده است) از آن جمله‌اند. جمله‌اند، جمله‌اند، ناصر در زمانی که شاه شدیداً از وی به خاطر فعالیت‌های پان عربیستی در هراس بود، از جمله تلاش‌های عزری در سطح رسانه‌های جهان می‌باشد که مشروح آن در بخش پانزدهم است.

در بخش شانزدهم با راه اندازی یک رادیو با حضور کارشناسان اسرائیلی جهت مقابله با ادعاهای ناصر در منطقه عربی آشنا می‌شویم. ضمن آنکه مکمل این بحث در بخش هفدهم نیز با انتقاد عزری از سیاست‌های آمریکا علیه ایران همراه است و ذکر این ضرورت که باید در ایران مهره‌هایی را برای همیشه تربیت کرد که بدون ارتباط مستقیم با اسرائیل، منافع اسرائیل را تامین نمایند.

بخش هجدهم مملو از تاکتیک‌های شنیدنی از اولین رابطه شاه با شخص عزری و حتی دریافت نشان درجه یک و دو و سه تاج از شاه است. در این بخش عزری به گونه‌ای مجدداً مخالفت خود با سیاست آمریکا در قبال ایران، با بهانه فضای باز سیاسی را مطرح می‌کند و در موارد متعددی از عملکرد شاه تمجید می‌نماید. وی با مقایسه دوران سیاه قبلی که در آن به یهودیان ظلم می‌شد و در دوران شاه که یهودیان به بهترین جایگاه ارتقاء یافته بودند، سعی در اثبات نظر مثبت خود به شاه داشت.

در این بخش به عتیقه‌بازی یهودیان و دلالتی آنها بین مقامات ایران و یهودیان مطرح در جهان و حتی روچلید نیز اشاره می‌شود و در عرصه سیاسی نیز به سرور عملکرد

یهودیان به ویژه نمایندگان آنها در مجلس پرداخته می شود.^۱
 بخش نوزدهم به بررسی اوضاع سیاسی ایران و گروه‌های معارض با شاه و عملکرد
 سیاسیون از جمله نخست وزیران محمدرضا اشاره دارد. عزری در ارزیابی خود از اوضاع
 ایران همواره به دنبال تیرنه شاه از مشکلات و مصائب وارد شده به ایران است.^۲
 در بخش بیستم روابط استانداران یا عزری و دیدار آنها از اسرائیل مورد توجه
 است و تعجب از این نکته را در خواننده برمی انگیزاند که عزری چگونه در تمام سطوح به
 دنبال یارگیری بوده و حتی در دوره ای هم موفق به اعزام عده ای از ایران جهت آموزش در
 امور شهرداری به اسرائیل می شود.^۳



سعید نفیسی مدیر روزنامه پیغام امروز در دیدار از اسرائیل

عزری یکی از موفقیت‌های خود را در عرصه پژوهشی و ارتباط با نویسندگان و
 دانشمندان ایرانی و تشویق آنها در سفر به اسرائیل می‌داند و مگسلاً این موضوع را در

بخش بیست و یکم بازگو می نماید از جمله افرادی که مورد توجه و عنایت خاص عزری بوده، سعید نفیسی است. دانشمندی که به زعم عزری یهودی الاصل است چنانکه استاد عبدالحسین حائری رییس کتابخانه مجلس هم بر آن صحنه گذاشته و از کتاب دزدی وی در این کتابخانه یاد می کند. (آبیهان فرهنگی، سال ۱۳۶۶، شماره دوم ص ص ۴، ۵) در میان افراد بااصطلاح فرهیخته و برجسته در عرصه علم و فرهنگ، سعید نفیسی در منظر عزری جایگاه خاصی دارد و اتفاقاً نفیسی هم برای عزری و اسرائیل احترام خاصی قائل است. اثبات این مدعا را در مقدمه کتاب "اسرائیل" نوشته "کارتار یواس" به شرح ذیل می خواهیم، کشور اسرائیل در این سال های نزدیک به ما در اندک مدتی پیشرفتی چنان شایان کرده است که هرکس از آن آگاه شده در شگفت مانده است. این کشور کوچکی که بیست و یک هزار کیلومتر مربع مساحت و یک میلیون و ششصد و بیست و نه هزار نفر جمعیت دارد، امروز یکی از آبادترین و برنعمت ترین کشورهای جهان شده و کارهای بزرگی در آن به پایان رسیده است که به حق باید سرمشوق کشورهای دیگری که همان وضع جغرافیایی و اجتماعی را دارند قرار بگیرد.

و یا در فصلنامه فارسی زبان "ره آورد" به نقل از عزری سروده ای از نفیسی در مورد اسرائیل به هنگام سفرش به آن دیار چنین آمده است:



تلفظین دبیر استاد فرودان امیر و همسرش در اسرائیل

۲- مساحت سرزمین فلسطین تقریباً بیست و هفت هزار کیلومتر مربع است و نفیسی مساحت مورد نظر خود را بدون احتساب کرانه باختر و نوار غزه، بیان کرده است. ضمن آنکه جمعیت یهودی ساکن در فلسطین در حال حاضر بالغ بر پنج میلیون و دویست هزار نفر است و جمعیت فعلی یهودیان در دنیا نزدیک به چهارده میلیون نفر.

در اینجا نوبهاران با هزاران جلوه رنگ زندگی دارد
 در آنجا باد سرسخت زمستانه اندوه می‌کارد
 در اینجا ماه بر دندان‌های قصر شادی، نور می‌ریزد
 در آنجا سایه مهتاب بر ویرانه، با ظلمت و غم ما می‌آمیزد
 در اینجا با همه نا آشنایی‌ها صفا دارند [۱۰۰]

(نشریه فرهنگی، اجتماعی ویژه نامه قدس، دفتر رسانه‌های سازمان تبلیغات اسلامی ص ۲۵)

عزری در این عرصه خود را موفق می‌داند چرا که المراد دیگری همچون «بدیع الزمان فروزانفر» و یا «عباس شاهنده» را نیز به تعریف از اسرائیل واداشته و برای اسرائیل آبرویی نزد اهل قلم دست و پا کرده است. ولی از سوی دیگر هم باید به این واقعیت اشاره کرد که این شیرینی در کام عزری یا سفر افرادی همچون «جلال‌الاحمد» به اسرائیل چنان تلخ شده است که حتی حاضر به ذکر این واقعه در کتاب نشده و به طرز ناشیانه ای از آن عبور کرده است و حقیقتاً «سفر به ولایت عزرائیل»^۲ به عنوان ره آورد سفر جلال‌ال احمد به اسرائیل بخش مهمی از اهداف عزری در به خدمت گرفتن نویسندگان برای آرمان صهیونیسم را نقش بر آب کرد.

بخش بیست و دوم به تلاش‌های عزری برای برقراری ارتباط به علمای اسلام می‌پردازد. اگر چه عزری خود را در این مسیر موفق جلوه می‌دهد. ولی حقیقتاً علمای اسلام و تشیع در ایران از ملوکگ شدن چهره ایشان به شبهه ارتباط با اسرائیل و صهیونیسم خود را میرا کرده‌اند. عزری تنها موفق به جذب و ارتباط با روحانی‌نمائی شد که در سطوح مختلف بعدها پس از پیروزی انقلاب آزمایش خود را پس دادند و رابطه خود با غرب و صهیونیسم را آشکار تر نمودند.

در واقع عزری در این مسیر با شکست کامل مواجه شد و نتوانست علمای تشیع را به جانبداری از صهیونیسم راغب نماید و المرادی همچون بدیع الزمان فروزانفر را که رابطه بسیار نزدیکی با عزری داشتند نیز نتوانستند در میان علما این مسیر را برای عزری هموار نمایند.

۲- این کتاب در ۱۲۱ صفحه توسط انتشارات مجید در سال ۱۳۷۱ منتشر شده است و امکان انتشار آن توسط ناشرین دیگری نیز در سال‌های دیگر، وجود دارد.



نخستین دیدار استاد فروزانفر همراه دخترش از اسرائیل

این واقعیت حتی در میان علمای سنی با حضور شیخ شلقوت به عنوان رئیس‌الازهر در تهران نیز مصداق عینی دارد.

در این بخش بغض شدید عزری از ضد اسرائیلی بودن حضرت امام (ره) با بکارگیری عبارات نامناسب در جریان مبارزات حضرت امام هویدا می‌شود.

کردستان و گستردگی جمعیت کرد در چهار کشور سوریه، ترکیه، عراق و ایران و محوریت این منطقه در بحث «دکتر بن پیرامونی» و اهمیت شایان آن برای اسرائیل از جمله مطالب مهم و موثر در بازشناسی سیاست‌های منطقه ای اسرائیل است که تمام بخش بیست و سوم را به خود اختصاص می‌دهد.

موضع عزری در قبال افرادی که با یهودیان منحرف از شریعت موسی و صهیونیسم مخالف و معارض هستند، سکوت و بعضاً ذکر آنها با عبارات نامناسب است ولی عمدتاً مثنی عزری سکوت است و در تمام این کتاب با این دیدگاه‌ها برخورد منطقی نمی‌شود - شاید به این دلیل باشد که اساساً عزری توان برخورد منطقی با این افراد را ندارد و اتفاقاً این افراد از جایگاه بالای علمی و اجتماعی برخوردار هستند که مخالفت عزری با آنها جز نتیجه معکوس برایش حاصلی ندارد.

به عنوان مثال در بخش بیست و چهارم عزری به عملکرد خود و اسرائیل در سیستان و بلوچستان اشاره می‌کند ولی به هیچ عنوان از «مرحوم کامبوزیا» به عنوان یکی

از سرسخت ترین دشمنان اسرائیل ذکر می‌شود^۱ در حالی که مرحوم کامبوزیا با کتابخانه ۱۵ هزار جلدی خود در آن کویر، بیش از هر موضوع قابل طرحی درزاهدان، مطرح و معروف است^۲ عزری اگر در این بخش به عقول کشاورزی هم توجه داشت می‌بایست به مرحوم کامبوزیا و شگفتی که در مزرعه خود در آن کویر آفریده است اشاره کند چرا که حتی اسرائیلی‌ها با تمام ادعای خود باید اصول کشاورزی در مناطق کویری را از ایشان فراگیرند^۳ سکوت در برابر حقیقت همیشه زنده کویر سیستان و بلوچستان یگانه راه عزری و همستان و همفکران وی می‌باشد^۴ چرا که شهادت مرحوم کامبوزیا نیز در نهایت پنهان کاری به دست عاملین رژیم اتفاق افتاد^۵ همچنان که غارت تحقیقات علمی ایشان در باب شناسایی پدیده صهیونیسم نیز بر مرموز بودن و مخفی بودن اقدامات دستگاه علیه مرحوم کامبوزیا نیز صحنه می‌گذارد^۶

بسیاری از محققین و مورخین معتقد هستند که بهائیت اساساً یا حمایت یهودیان در ایران شکل گرفت و اگر نبود عدای یهودی که به ظاهر بهائی شوند و پیروان این فرقه ضاله را در ایران زیاد کنند، هیچ فرد شیعه و آگاهی به این مسلک وارد نمی‌شد^۷ پیوند نامیمون این دو عنصر در تضعیف تشیع در ایران را می‌توان در مرکزیت بهائیت در اسرائیل و در شهر عکا و حیفا مشاهده کرد و اینکه سران این فرقه از ابتدا از اسرائیل ارتزاق می‌کردند^۸

عزری در بخش بیست و پنجم و در واپسین بخش از جلد اول کتاب خود به جایگاه بهائیان در ایران و برنامه های خود اشاره می‌کند^۹ مرور این بخش تا حدی مبین نظر فوق می‌باشد^{۱۰}

ورود و اشراف عزری به جریان های سیاسی داخل کشور را می‌توان در بخش بیست و ششم (اولین بخش از جلد دوم) مورد ارزیابی قرار داد وی ابتدا تعریفی از حزب «مردم» به ریاست «علم» و حزب «علیون» به ریاست «اقبال» ارائه می‌کند و سپس فعالیت هر دو را مورد بررسی قرار می‌دهد و اینکه هر دو آنها برای پی ریزی یک نظام حزبی از عزری کمک خواسته اند^{۱۱}

عزری در پایان این بخش به این نکته اشاره می‌کند که اعضاء این دو حزب عمدتاً در هر دو حزب عضویت داشتند تا به محض رسیدن به قدرت از منافع آن بهره مند شوند وی معتقد است که تخریب در ایران تنها در قالب یک بازی رسوا قابل توجه است و نه یک راه برای پاسخگویی به نیازهای جامعه^{۱۲}

انتظار می رفت که عزری در باب فعالیت های فرهنگی صهیونیست ها در ایران و یا جهان اسلام بیشتر سخن گوید. دلیل این کم گوئی یا به حفظ اسرار و تاکید به پنهان بودن روش ها بر می گردد و یا اینکه این برنامه ها با تمام سرمایه گذاری ها نتیجه دلخواهی در بر نداشته است. به هر ترتیب بخش بیست و هفتم به فعالیت عزری و یارانش در عرضه آموزش و پرورش و به ویژه مقابله با بیسوادی اختصاص دارد و نسبت به اهمیت و عمق موضوع مطلب قابل اعتنایی ندارد. شاید در بخش بیست و هشتم بخشی از انتظار خواننده نسبت به عملکرد فرهنگی و علمی اسرائیل در ایران با تاکید به فعالیت های پیشاهنگی و یا دانشجویی و رد و بدل شدن بورس های تحصیلی پاسخ داده شود. عزری در این بخش تمام برخی از دانشجویان بورسیه در اسرائیل را ذکر می کند و در میان این اسامی به مسعود عالیخانی نیز برمی خوریم. از نکات جالب آن است که عزری به سفر سه ماهه "سیدابوالحسن بنی صدر" به اسرائیل در دوران دانشجویی اش اشاره می کند. معلوم نیست به چه دلیل این سفر اهمیت داشته است که اولاً عزری در جریان آن در آن موقع بوده است و ثانیاً در این مقال به ذکر آن می پردازد. گوئی اسرائیلی ها بنی صدر را از آن زمان می شناختند !!!

مسابقه فوتبال ایران و اسرائیل در تهران و تبعات ضداسرائیلی حاصل از آن در میان مردم برای عزری بسیار تلخ و گزنده است. گویا به وی می فهماند در عین تمام روابطی که با سران دارد و تمام برنامه هایی که اجرا کرده نتیجه ای نگرفته است چرا که مردم هنوز با اسرائیل مخالفت و این مخالفت را ولو با دنبال کردن یک سنگ چشم بسته به عنوان موشه دیان و ابراز خوشحالی پس از مسابقه در خیابان های اطراف ورزشگاه "امجدیه" شهید شیروزی ابراز می نمایند.

البته در این میان عده ای ورزشکارانما یا سوابق مشخص نیز وجود دارند که اندک آبرویی برای اسرائیل می خردند که در منظر هیچ جمع و اجتماع صادقی قابل عرضه نیست. در واقع عزری در کارنامه فعالیت های خود در عرضه ورزشی در ایران بجز تعریف و تمجید شعبان جعفری آبی مخ از اسرائیل مطلب قابل ارائه ندارد و طبیعی است که از زوایای مختلف به این رابطه اشاره کند و از معالجه او در اسرائیل و سفرش به آن دیار سخن بگوید. لازم به ذکر است هما سرشار یهودی نیز طی مصاحبه با جعفری که در یک کتاب جمع آوری شده و توسط شش ناشر در ایران منتشر شده است!!! از یادنامه عزری و سفر

شعبان جعفری به اسرائیل بعد از انقلاب نیز یاد می‌کند و شعبان جعفری نیز بر آن صحه می‌گذارد:

به هر جهت در بخش بیست و نهم با ارتباطات عزری با مسئولان ورزش کشور از جمله سبهد "پرویز خسروانی"، جوانترین سبهد کشور آشنا می‌شویم. در بخش سی ام از بعضی خوانندگان و فعالان عرصه موسیقی و ارتباط و پیوند آنها با عزری یاد می‌شود و سفرهایی که به اسرائیل داشته‌اند ضمن آنکه از بعضی خوانندگان اسرائیلی که برای اجرای برنامه به ایران آمده‌اند و در محافل خصوصی و عمومی هنرمندی کرده‌اند نیز یاد می‌شود.

عزری در بخش سی و یکم اصرار زیادی دارد که اسرائیل یگانه امیدگاه بیماران لاعلاج و یا صعب‌العلاج در سراسر دنیاست و تنها پزشکان یهودی هستند که می‌توانند سلامتی و امید را برای بیماران به ارضان آورند. در این بخش به عده ای نیز اشاره می‌کند که در اسرائیل سلامتی خود را باز یافته‌اند ولی برای آن عده که معالجه نشدند و تعدادشان نیز زیاد است، هیچ جوابی ندارد و این در تناقض آشکار با ادعای شفابخش بودن دست پزشکان یهودی است. به هر حال این بخش تبلیغ دستگاه بهداشتی و پزشکی اسرائیل بدانگر تعدادی از مصادیق ایرانی است.

در بخش سی و دوم از کتاب عزری، با یک خودستایی آشکار در کمک به دیگران توسط یهودیان مواجه می‌شویم. در حالیکه همیشه در تاریخ این کمک‌ها بی‌لیل نبوده و حتی بهره‌هایی در پی داشته است. از جمله این موارد، کمک یهودیان به زلزله‌زدگان ایران است و جالب اینجاست که در یکی از موارد کمک اسرائیل به مردم زلزله‌زده "لار" را بدون ارتباط با یهود خیز بودن این منطقه نمی‌داند و اگر جایی مردم از کمک اسرائیل‌ها استقبال نکرده‌اند، آن را به حساب عقب مانده بودن و اخت آنها به زندگی در شرایط سختی نمی‌گذارد.

در مجموعه پژوهش‌های صهیونیت (کتاب دوم) مقاله ای تحت عنوان تکاپوی صهیونی در ایران آمده است. در این مقاله فهرست نسبتاً جامعی از دارایی‌های یهودیان در تمام مشاغل ذکر شده است از جمله هتل‌های متعلق به یهودیان و گویا هتلداری به عنوان یکی از مشاغل پربازار نیز مطرح بوده است و حتی نویسندگانی همچون حبیب لوی نویسنده کتاب ۳ جلدی تاریخ یهود ایران و صاحب هتل کینگر (کوثر فعلی) نیز کسب ثروت از این راه را نیز

تجربه کرده اند^۱

در واقع عزری در این بخش از یک طرح جامع برای ایجاد صنعت جهانگردی در ایران به شکل و شیوه اسرائیلی پرده برسی دارد و از پیشنهاد ۴۲ بندی تدی کولک^۱ مطرح و پیشنهاد دهنده جشن های ۲۵۰ ساله یاد میکند^۲



تدی کولک، شهردار اورشلیم

آقای شهردار اورشلیم

در بخش سی و چهارم عزری از شاهکار محققین اسرائیلی در کشف یک گیاه در ایران به نام «شقایق خودرو» با نام علمی «پاپاروبر آکنه آنوم» سخن به میان می آورد^۳ این گیاه درمان معتادان به مواد مخدر را در پی دارد^۴ وی معتقد است که اسرائیل در تحقق این برنامه با مشکلات جهانی مواجه شد در حالی که می توانست با کمک ایران اعتیاد را در جهان ریشه کن نماید^۵ در عین حال از افرادی همچون کارتر نیز به سبب کارشکنی در این مورد انتقاد می کند ولی سودجویی عده ای از رهگذر تولید و فروش مواد مخدر را علت اصلی ناکامی این طرح می داند^۶

در واقع عزری با این بخش، در صدد تبرئه اسرائیل و یهودیان از سودجویی در این عرصه است و باید حتماً ما هم به این نتیجه رهنمون شویم که سرمایه یهودیان جز از طریق صواب افزون نمی شود^۷

۱- از دوستان نزدیک عزری که مدتی زمانی شهردار اورشلیم بوده و از وجهه خاصی در اسرائیل و کشورهای غربی برخوردار است از تدی کولک باید بسیار دانست چرا که وی پیش از آنکه معروف باشد، مدتی اقدامات مهمی برای آرمان صهیونیسم برده است.





دنی کولگه دنی کی، آلبرت و شیر عزری در شهرداری ی اورشلیم

در بخش سی و پنجم عزری مدعی است که اولین پژوهشگران گیاه شناسی در ایران یک پدر و پسر یهودی به نام های «میخائیل زوهری» و «دانیل زوهری» بودند که از سوی یونسکو برای پژوهش در کویر لوت مأموریت یافتند و بزعم عزری این مأموریت ره آورد سلیدی به دنبال داشت.

زلزله در بونین زهرا بهترین بهانه برای شرکت های عمرانی، آبیاری و کشاورزی بود تا در این منطقه یا هدف آباد کردن مناطق زلزله زده طرح عمران دشت قزوین را عملی سازند و حقیقتاً این طرح با سرمایه گذاری کلان و امید ایران به بازدهی آن آغاز شد.

اسرائیلی ها مدعی بودند که با حفر چاه ۴۰ درصد از آب در این منطقه را می توان بازیابی کرد و از آن طریق زمین های کشاورزی و مراتع این منطقه را احیاء نمود.

اقدام اولیه اسرائیل در نزدیکی تاکستان با ۲۸۰ هکتار مساحت آغاز شد و عملاً این پروژه در سال ۱۹۶۲ امضاء گردید و دکتر حسن ارسنجانوی وزیر کشاورزی وقت از هر حیث این پروژه را تضمین نمود. به طور کلی چهار گروه اسرائیلی ظرف ده سال در قزوین فعالیت کردند و چهار هزار نفر ایرانی را در این طرح مشغول کردند.

اسرائیلی ها علاوه بر فعالیت در عرصه کشاورزی و مراتع یک دهکده نوین را نیز ساختند و در گله داری و مرغداری نیز روش ها و مکانیزمی را در منطقه احداث کردند.

عزری معتقد است که طرح اسرائیل در قزوين تاج همه برنامه های برون عزری اسرائیل بود و یقیناً می بایست از این طرح ویتربینی برای عرصه به سایر کشورها بسازد و به بازارهای دیگران راه یابد.

عزرا دانین از فعالان این طرح در کتابی تحت عنوان «صهیونیست بی چون و چرا» مفصلاً از طرح قزوين سخن به میان آورده است. این طرح قراردادهای دیگری در زمینه باغداری و گاوداری را نیز برای اسرائیلی ها به همراه داشت و بشاير اعتراف عزری سود سرشاری نصیب یهودیان می کرد.

در این میان نباید از اختلافات مالی در این طرح میان ایران و اسرائیل اغماض کرد. جالب آن که عمده این اختلافات با وساطت و زمینه چینی عزری به نفع اسرائیل خاتمه می یافت. از جمله در یک دعوی حقوقی ۵/۴ میلیون دلار عاید اسرائیل شد و مسئولین اسرائیلی عزری از این بابت از وی تشکر کردند.

فصل سی و هفتم در برگیرنده اطلاعات وسیعی از تبادل اطلاعات و علم کشاورزی با آموزش کارکنان وزارت کشاورزی است و افراد فعال در این عرصه کارنامه ای دارند که عزری از حیث تأثیر گذاری در امر کشاورزی ایران عمدتاً نمره ۲۰ به آنها می دهد.

در بخش سی و هشتم عزری به دوره های کارآموزی و سفرهای توریستی به اسرائیل می پردازد و معتقد است که بسیاری از مسئولین ایرانی به اسرائیل سفر کرده اند و دستاوردهای علمی آن را از نزدیک دیده اند. دیدار استادان یا سرپرستی رحیمی لاریجانی از اسرائیل دیدار اعضای سازمان برنامه از اسرائیل از جمله دیدارهایی است که با هدف آموزشی ترتیب داده شده است.

در ادامه عزری در بخش سی و نهم مباحث مربوطه به کشاورزی را ادامه می دهد و بر آن است تا پایه ریزی کشاورزی نوین در ایران را به اسم اسرائیل تمام کند.

در این میان برای بسط و تفوذ خود از هر وسیله ای استفاده می کند در همین مورد رابطه نزدیک وی با «ابراهیم مهدوی» وزیر کشاورزی، بسیار قابل تأمل است و اینکه مهدوی بسیاری از املاک کشاورزی خود را در اختیار اسرائیل ها قرار می دهد. در جای دیگر فعالیت اسرائیلی ها در مزارع کما در اطراف ورامین و پنا کاشت درخت های سپیدار اسرائیلی در اراضی نصیبری و فردوست گویای عمق ارتباط عزری با سران در حیطه شخصی و استفاده از آنها در عرصه گسترده تری است.

در جایی از این کتاب می خوانیم که روزانه هزاران جوجه اسرائیلی از طریق "ال-عالم" به ایران منتقل می شده و این نمونه ای از یک اقدام وسیع و همه جانبه یهود در ایران است.

در این بخش عذری طرحی را بر ملا می کند تا مخالفت ها با اصلاحات اراضی در ایران کاهش یابد اصلاحاتی که طراح آن "رستوی" یهودی، مشاور اقتصادی "کندی" است.

قسمتی از این بخش همچنین به نحوه آشنایی ارسنجانی با عذری اشاره می کند که نکات بدیع و جالبی را در بر می گیرد:

عذری در به رخ کشیدن توانایی اسرائیل که به یمن زمینه مساعد در فلسطین و سوابق فلسطینی ها به دست آمده، در این بخش آنقدر پیش می رود که بسیاری از سران شاهنشاهی را راغب به استفاده از خدمات اسرائیلی در مزارع خود می کند.

عذری همچنین مدعی است که در بعضی موارد به تجارت کالای کشاورزی ایران نیز کمک کرده است از جمله به تجارت خرماي ایرانی و داستان از این قرار است که بازرگانان خرماي ایرانی به دلیل وجود خرماي عراق در بازار جهانی، با مشکلات متعددی مواجه بودند و عذری با در میان گذاشتن این موضوع با سه تاجر اصلی خرما در دنیا، که اتفاقاً هم یهودی هستند، این مشکل را حل می نماید و البته به این ترتیب به عراق نیز ضربه ای وارد می شود. عذری در ادامه متذکر می شود که خرماي اسرائیلی از نژاد خرماي ایرانی است.

در بخش چهارم تلاش عذری در عالی نشان دادن تجربه سدسازی در ایران به جایی نمی انجامد چرا که واقعاً اسرائیلی ها در این عرصه نه تنها خدمت شایانی ارائه نکردند بلکه بر سر پروژه هایی همچون سد داریوش نیز حرف و حدیث هایی مطرح شد تا اینکه منجر به دعوی حقوقی شرکت طرف قرارداد، یعنی شرکت ورد مکوروت گردید:

گویی عذری بنا دارد که از هیچ موردی به سادگی گذر نکند و هر کاری را که در ایران انجام داده، به اسم خدمت به ایران در این کتاب ذکر نماید و آن همکاری در ساخت سموم می باشد که منجر به احداث کارخانه "سم ساز" شد و این موضوع با اندک مطلب خود بخش چهارم و یکم رایه خود اختصاص داده است.

منفعت طلبی یهودیان صهیونیست به ویژه در ایران، اقتضای می کند که از هر سربازی جهت انباشت سرمایه بهره جویند، در واقع یهودیان در قبال و بعد از مهاجرت به

اسرائیل در ایران زیستند و با ظرفیت های مختلف برای جذب و انباشت سرمایه آشنا هستند و بی دلیل نیست که در تمام سطوح به گسترش این روابط می پرداختند و حتی تا سال ۱۹۷۳ یعنی شش سال قبل از انقلاب اسلامی، ۵۵ میلیون دلار به ایران صادرات داشته اند و از عوارض گمرکی در دوره هویدا تا حدی معاف بوده و از سوی دیگر با صادرات کالای مصرفی به ایران، به دنبال خروج ثروت های زیرزمینی هم بوده اند، که نفت بخشی از آن و سرمایه گذاری برای استخراج سنگ فیروزه نیشابور (که الحمد لله به نتیجه نرسید) بخش دیگری است.

از جمله مطالب مهم در این بخش، مشارکت در طراحی و ساخت، شهرک ها، هتل ها و ساختمان های مخایرانی و مهم در ایران با ذکر نام و موقعیت آنهاست. شرکت های اسرائیلی در کثر فعالیت خود در ایران آنقدر سود عایدشان شد که به هیچ عنوان حاضر به ترک ایران نبودند و تنها انقلاب این زالوها را که ثروت ایران را مکیدند از ایران جدا کرد. افرادی همچون یعقوب فیروزی که ثروت بسیار زیادی برای خود فراهم کرد، حتی پس از اتمام مأموریت خود در ایران به کار بازرگانی پرداخت. گویی سود سرشار از این محل بسیار بیشتر از وظیفه سازمانی اش بود.

به هر ترتیب نکات جالب و مهمی در خصوص روابط بازرگانی ایران و اسرائیل در این بخش وجود دارد که ذکر بعضی از آنها همچون تسخیر بازار موز ایران توسط یک اسرائیلی باعث تعجب هم خواهد شد.

در بخش چهل و سوم، افتتاح دفتر هواپیمایی اسرائیل (ال عمال) در خیابان ویلا (شهید اسفاد نجات الهی) تهران، مورد بحث است و اینکه چگونه این دفتر افتتاح شود و همچنان ایران بر پنهان بودن روابط خود با اسرائیل تأکید کند. به هر جهت یهودیان در پاسخگویی به این تقاضا به شیوه خود عمل کردند.

اولین پرواز ال عمال به تهران در سال ۱۹۵۹ با کثرت از دریای مدیترانه، ترکیه و سپس ایران صورت گرفت. پروازها یک طرفه بود. بدین معنی که از ایران پروازی به اسرائیل صورت نمی گرفت و تعداد این پروازها هفته ای هجده مرتبه به تهران بود. عجزی معتقد است که بر سر مالیات ناشی از افتتاح این دفتر در تهران مشکلاتی پیش آمد که با پادرمیانی وی حل و فصل شد.

فروش نفت بهترین خدمت به آرمان صهیونیسم و موجودیت نامشروع صهیونیت

بود. در واقع شاه با تاراج این ذخیره ارزشمند خندادادی، بزرگترین هدیه را به صهیونیست‌ها عرضه داشت و در مقابل، کاری ترین ضربه را به آرمان جهان اسلام وارد نمود. در واقع به کارنامه سراسر سیاه و خیانت بار خود گناهی نابخشودنی افزود.

بن کورین با ذکر اهمیت و جایگاه ایران در «دکترین پیرامونی» پس از جنگ سینا و آغاز خرید نفت ایران در سال ۱۹۵۷ میلادی در حضور همکاران نزدیک خود از جمله اشکول، سپهر، گلدامایر و ... می‌گوید:



بن کورین

با همه پیروزی هایمان هنوز نتوانسته‌ایم حلقه تنگاتنگ دشمن پیرامون خود را بشکافیم نه تنها از نیروی این حلقه کاسته یا رخنه ای در آن نکرده ایم. بلکه روشن تر از آفتاب می بینیم که هر روز کلوگیرتر می شود، کزند آفرین تر می گردد. تا بتواند روزی به دور گردنمان بپیچد و همه مان را خفه کند تنها چاره برای کسبختن ریسمان دور کردن اسرائیل، دوستی ما با ایران، ترکیه و اتیوپی است. (یادنامه، جلد دوم، صص ۱۶۲ و ۱۶۴)

بسیار آشکار است که ایران در این میان چه نقشی دارد. بزرگتر با اهمیت فراوان و حتی سود رسان به منافع همه جانبه اسرائیل. اسرائیلی ها در این میان سعی هستند که در عوض در لوله کشی گاز تهران نیز به ایران کمک کرده اند و یا ایران چند سنت به اسرائیل نفت کرانتر می فروخت (یادنامه، جلد دوم، صص ۱۶۲ و ۱۶۴) ولی این ها جبران این خیانت شاه به جهان اسلام نبود. از سوی دیگر اسرائیل به دنبال آن بود که از اهمیت کانال سوئز بکاهد و ترانزیت نفت از این کانال را با احداث خط لوله نفت «ایلات - اشدود» «یا ایلات -

اشکتون» به خاک خود بکشاند و از این طریق ضربه ای به مصر وارد سازد. چرا که این طرح با اهداف ضد ناصری شاه نیز تطابق داشت و شخصیت های برجسته مالی یهود از جمله روجیلد هم حاضر به سرمایه گذاری در این پروژه بودند.

البته با وقوع انقلاب انتظار می رفت حقایق با ارزشی از روابط نفتی ایران و اسرائیل آشکار شود. بویژه تخلفات عمده ای که اسرائیل در نفت دزدی داشت و باعث اختلافاتی شد. اساساً یکی از مواردی که در این میان آلودگی به زدوبندهای مالی این قرارداد آشکار شد عجزی بود.

به هر حال بخش چهل و چهارم ارزش آن را دارد که با یک مطالعه دقیق به عمق خوش خدمتی شاه به صهیونیسم با فروش نفت پی ببریم.

عجزی در بخش چهل و پنجم به بررسی ساختار صهیونیسم در ایران می پردازد و از فعالیت های سیاسی و فرهنگی یهودیان مطالب قابل اعتنایی را بیان می کند. ضمن آنکه یهودیان را نیز نسبت از بعضی اتهام ها - از جمله جاسوسی - میرا می داند. اتهامی که همواره به یهودیان در هر جامعه زده می شود و اتفاقاً آن ها هم میرا هستند!!! در این بخش عجزی به فعالیت های خود در عرصه خروج عمیق از ایران نیز ابعان دارد و البته شغل پولسازی که عمده یهودیان وابسته آن دوره نیز به آن اشتغال داشته اند.

عجزی در بخش چهل و ششم به تأسیس آموزشگاه های اسرائیلی در ایران می پردازد و اهمیتی که از این منظر برای پرورش استعداد های خاص مورد نظر بوده است. بخش چهل و هفتم بر حجم ترین بخش از حیث اطلاعات جالب به ویژه در مورد یهودیان ایرانی و فعالیت آنها در تمام عرصه ها از جمله عرصه اقتصادی و سیاسی و بعضاً فرهنگی است. البته کارنامه سفیدی نیست. این بخش برای بسیاری از پژوهندگان یهودیان در تاریخ معاصر نیز مطالبی شنیدنی دارد اگر چه به دلیل مسائل امنیتی از ذکر بعضی موارد اجتناب شده است.

عجزی در این بخش ابتدا مروری کوتاه به فعالیت سیاسی یهودیان از ابتدای ششروطه داشته است و همواره در حاشیه مطالب خود، به یهود ستیزی رایج در ایران اشاره دارد و از کاهش آن در دوره پهلوی به ویژه پهلوی دوم یاد می کند.

عجزی از اعمال نفوذ خود بر انتخاب نمایندگان یهود در مجلس نیز نمونه ای را ذکر می کند و آن علم کردن «جمشید کشفی» در مقابل «مردارویه» است که رابطه خوبی با

عزری ندارد و عزری با حمایت از کشفی او را موفق میدان انتخابات می کند

در بخشی از مطالب این بخش، اشاردهای گذرا به واقعه مشهد می شود که طی آن عدهای از یهودیان به اجبار مسلمان می شوند و بعدها همین "جدید الاسلام‌ها" با ایمان واقعی خود به یهودیت و تظاهر به اسلام، بسیاری از اهداف خود را عملی ساختند. انوسی‌ها در ترکیه عثمانی تحت عنوان دونه و در ممالک مسیحی به ویژه اسپانیا تحت عنوان مارانو، تکاپوهای یهودی صهیونی را پیگیری کرده اند:

در این بخش عزری به صورت مجزا در مورد بعضی از شخصیت های برجسته یهودی سخن می گوید و به نحوی خدمات آنها به صهیونیسم را نیز ذکر می کند این افراد عبارتند از:

۱- سلیمان آقایی

۲- خانواده الفاتیان به ویژه حبیب الله

۳- العباس اسفندی

۴- منوچهر امیدوار

۵- عطاء الله امیریان

۶- دکتر داود برکینا

۷- خانواده بروخیم

۸- منصور پوراتحاد

۹- لطف الله حی

۱۰- نورالله حی

۱۱- سلیمان حیم

۱۲- رتوبین دختیان

۱۳- برادران رحیمی

۱۴- نجات الله رعنان



حشمت کشفی



لیلا کشفی



صدر کشفی



دکتر الله حسی



دکتر امیر حسینی



دکتر ناصر ادیپور

- ۱۵- هما آرافانیل زاده و نجات سرشار
- ۱۶- برادران سیما نطوب (رحیم زاده)
- ۱۷- باروخ شاهی
- ۱۸- حق نظر (یحزقل) فرخ نیک
- ۱۹- موشه (موسی) طوب
- ۲۰- الیاهو قدسیان
- ۲۱- موشه (موسی) کرمانیان
- ۲۲- سام کرمانیان
- ۲۳- دکتر حشمت الله کرمانشاهی
- ۲۴- یوسف کهن
- ۲۵- رحیم کهن
- ۲۶- شلمو (سلیمان) کهن صدق
- ۲۷- دکتر حبیب لوی
- ۲۸- عزیز الله متحده
- ۲۹- سلیم مراد
- ۳۰- یوسف مرادی
- ۳۱- برادران میزراحی، ابراهام راد و خانابابا
- ۳۲- دکتر موشه (موسی) انگاران
- ۳۳- آقاجان نسیمی
- ۳۴- مجید نهورای
- ۳۵- یونس و پرویز نظریان
- ۳۶- مسعود هارونیان
- ۳۷- ابراهیم یاحید
- ۳۸- عطاالله یومطوب
- ۳۹- سردیوید الیانس
- ۴۰- دکتر ناصر (ادیپور) خلیلی
- ۴۱- نورالله نوروش

۳۲- پروفیسور مردخای رکنی

۳۳- دکتر رافائل سلیم پور

در مورد هر یک از شخصیت های مورد اشاره عزری ، مطالب گفتنی بسیار است که وی به بخشی از آنها اشاره کرده و ما نیز برای نمونه به بعضی از آنها اشاره می کنیم از جمله اینکه گرانترین خانه جهان متعلق به ناصر (دیوید) خلیلی بوده که ویژگی های منحصر به فردی دارد و ثروت وی ۲۵۰ میلیون پوند است . در مورد سردیوید الیانس نیز این نکته شایان ذکر است که وی با ۲۱۸ میلیون پوند ثروت در ردیف دویست و هجدهم از مردان ثروتمند انگلیس است وی که ۷۲ سال سن دارد ، از ملکه انگلیس لقب لرد گرفته است .



موشه ذایان ، شیر عزری و ژورنل و سلیمان حیم

در این بخش عزری به خدمات القانیان به صهیونیسم اشارات فراوانی دارد و از سلیمان حیم به خوبی یاد می کند و از حبیب لوی به عنوان فردی یاد می کند که باید تاج کوهر نشان تاریخ نگاری رامیان ایرانیان یهودی بر سر او گذاشت: یا از هما و نجات سرشار یاد می کند که مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایران را در کالیفرنیا بر پا ساخته اند در حالیکه این افراد برای ذهن تاریخ ما بسیار آشنایند و فعالیت آنها بسیار قابل تأمل .

هنرمند، نقاشان اله سوتار و هنرمند



در بخش چهل و هشتم، عزری به اوضاع ۳۰۰ هزار یهودی ایرانی در اسرائیل می پردازد و معتقد است که آنها برای سرزمین موعود خود منشاء خدمات فراوانی بوده اند. وی از محل زندگی، فعالیت، موقعیت ها و مناصب یهودیان ایرانی در اسرائیل به صورت مفصل مطالب جدیدی مطرح می کند. از جمله «موشه کتساف» که زاده اصفهان است و رئیس جمهوری فعلی اسرائیل و «شائول موفاژ» که ایرانی زاده است و وزیر جنگ فعلی اسرائیل یا ژنرال «ایتان بن الیاهو» فرمانده نیروی هوایی که وی نیز ایرانی تبار است یا هارا و «الیاهو بخشنی درون»، رهبر سفارادی های جهان که ایرانی تبار است و ...

عزری در بخش چهل و نهم به موقعیت سیاسی خود در اسرائیل پس از مأموریت در ایران می پردازد و اینکه شدیداً از لحاظ فکری پیرو بن گورین بوده است و حاضر نمی شود در هیچ شرایطی از این اعتقاد دست بردارد و به همین دلیل مورد ستایش مخالفین بن گورین از جمله گلدامایز در یک مقطع قرار می گیرد.

عزری در بعضی از گزارش های کتاب، جسسته و گریخته به این نکته اشاره می کند که قابلیت های بالایی در عرصه سیاسی داشته و دارد ولی همیشه از پست های بالاتر امتناع کرده است. از جمله نمایندگی کنست و یا وزارت. در آخرین بخش کتاب یعنی بخش پنجاهم عزری دین خود را به افرادی که به وی کمک کرده اند و همواره همدوش وی در بسیاری از فعالیت های سیاسی و مسئولیت های متعدد بوده اند، با ذکر نامشان ادا می کند.

اولین فرد بن گورین است که عزری از رابطه بسیار نزدیک خود با وی می گوید و اینکه بن گوریون واقعاً مرشد فکری او بوده است و ذکر می کند که از او بسیار یاد گرفته است.

فرد بعدی **تدی کولک** شهردار بیت المقدس در دوران متصادی است و فرد سوم **اسحاق ناوون*** و به ترتیب **شیمون پرز**، **موشه دایان**، **ایابسان^۱**، از جمله افراد موثر و کمک برای زندگی عزری بود. نکته جالب در منظر عزری در آخرین فرازهای این بخش به عنوان آخرین بخش کتاب آن است که هم اکنون یک تکه فرش ایرانی در خانه شماره یک اسرائیل یعنی خانه رییس جمهور، زینت بخش این محل است و این را حاکی از علاقه‌ای می‌داند که به ایران دارد. در حالیکه اگر به واقع بنگریم در مدت ۱۵ سال مأموریتش در ایران نمی‌توانیم اندک خدمتی، ستودنی به ایران از وی بیابیم.

نتیجه

معرفی این کتاب را در حالی به پایان می‌بریم که به هیچ عنوان، حداقل برای نگارنده این سطور، این احتمال وجود نداشت که پس از دنبال کردن خاطرات عزری در رادیو اسرائیل در حدود هفت هشت سال گذشته، این یادنامه منتشر شود. در واقع در آن زمان تنها این امیدواری از سوی **مفاشند امیر** و بعضاً خود عزری مطرح می‌شد که بعدها این خاطرات که حدود ۱۵ دقیقه از برنامه ۸۰ دقیقه ای رادیو اسرائیل را در بر می‌گرفت منتشر شود و شاید هم بازگو کردن خاطرات به صورتی موجز و مختصر در آن زمان نقطه آغازی بر این پایان بوده است.

به هر ترتیب در اواخر مردادسال ۸۰ این خبر از سوی رادیو اسرائیل بخش شد که کتاب عزری منتشر شده است. یعنی حدود چهارسال پس از ذکر خاطرات به صورت شفاهی، رادیو اسرائیل در گزارش چهارصفحه‌ای خود از این کتاب، مقدمتاً بیان می‌کند که این اثر از مهم‌ترین کتاب‌های نادری است که در مورد مناسبات تاریخی اسرائیل و ایران در نیمه دوم قرن بیستم نیلادی و رویدادها و تحولات جوامع یهودیان در نقاط مختلف ایران، نگاشته شده است: (رادیو اسرائیل، ۱۳۸۰/۵/۲۸)

در این گزارش همچنین به مقدمه **«شیمون پرز»** بر این کتاب نیز اشاره می‌شود. متنی که در آن پرز از اهمیت سوق الجیشی ایران می‌گوید و اینکه نمی‌توان این کشور را در خاورمیانه نادیده گرفت و مهم‌ترین آنکه ایران مسلمان است ولی تازی نیست.^۱ یادنامه، جلد اول ص ۵

در واقع گزارش رادیو اسرائیل اسماعیل از این کتاب و ذکر بخشی از مقدمه پرز

۱. عزری کتاب معروف **ایابسان یا عنوان*** **«قوم من»** دارد. لیوان یا ترجمه دوست خوشتر **«بعضی‌ها شکر تصفواتر»** منتشر کرد.

حاکمی از یاد آوری موقعیت ایران در احیاء^۱ دکترین پیرامونی^۲ اسرائیل است، چرا که در جای دیگر از این مقدمه اظهار تأسف میکند که چرا وقتی سران ترکیه، این کشور را به سمت دموکراسی می‌رانند، ایران دچار این وضع است، پرز تأکید می‌کند که اسرائیل نمی‌تواند در برابر این دو تکرش بی‌واکنش بماند.

و البته این واکنش را می‌توان در زمره‌های شدت یافته برای برقراری حکومت کرد در متعلقه، به‌عنوان پایه‌ای از دکترین پیرامونی به روشنی، شاهد بود.

رادیو اسرائیل در پایان گزارش یادنامه، جلد اول، ص ۵ افزود به شنوندگان عزیزش توصیه می‌کند که «باکوشه ای از تاریخ دوستی دیرینه دو ملت ایران و اسرائیل آشنا شوید و خود به قضاوت بپردازند»^۳ به ویژه آنکه کشور اسرائیل و ملت اسرائیل، هیچگاه کسی در جهت زبان به منافع ملی و مصالح دراز مدت ایرانیان بر نداشته‌اند، هر چند که در این ۲۳ سال اخیر فریادهای (ترک بر اسرائیل) و نظاهرات فرمایشی حکومت دینی ایران علیه اسرائیل، لحظه ای قطع نشده است.^۴

این رادیو به این سوال مطرح پاسخ نداده است که این فریادها از دهان چه کسانی خارج می‌شود؟ آیا به غیر از مردمی مصمم، می‌توان شاهد فریادی از دیگران بود که طی ۲۵ سال قطع نشود.

در کنار رادیو اسرائیل و توصیه آن به آشنایی با تاریخ این روابط، نگارنده نیز این توصیه را تکرار می‌کند، منتهی با هدف آشنایی کامل موجودیتی که هیچ عقل سلیمی حاضر به شناسایی آن به عنوان یک کشور مشروع نیست و البته این آشنایی باید بسیار دقیق، مجدانه و هدفمند باشد، در واقع نهادی در ایران می‌بایست بر این امر اهتمام ورزد تا ابعاد این رابطه یا ابتداء بر اسناد موجود در سازمانها، ارگان‌ها، و نهادهای ذیل، منتشر شود.

(یقیناً در آن زمان، به این حقیقت رهنمون خواهیم شد که آیا اسرائیل دوست ایران است و یا دشمن ایران؟)

۱- وزارت امور خارجه ۲- وزارت اطلاعات ۳- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۴- وزارت

۱- ماهنامه فارسی زبان اشهداء چاپ خرمون در اسرائیل نیز در شماره ۶۹ خود از صفحه ۱۹ ضمن معرفی و شرح کتاب یادنامه، معرفی به‌عنوان یکی از شاهکارهای فرهنگی دوران این ملت را بیان می‌کند که «نیامان واسخ داریم که یادنامه، مندری ارزشمند خواهد بود که گویان روایت نوستالجه ایران و اسرائیل در دوران شاهنشاهی می‌باشد»^۱ و امیدواریم که یک جلد از آن در هر خانواده ایرانی وجود داشته باشد. این نشریه در پایان معرفی و تبلیغ این کتاب این خبر را نیز ذکر می‌کند که «روند جلسه از فروش این کتاب جهت ساختن کبستان در بروشالیم امتیازات جداگانه یافت»

نیرو، وزارت بهداشت ۶، وزارت کشور ۷، وزارت نفت ۸، وزارت اقتصاد ۹، وزارت آموزش و پرورش ۱۰، وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری ۱۱، ریاست جمهوری (نخست وزیر سابق) ۱۲، سازمان مدیریت و برنامه ریزی (سازمان برنامه سابق) ۱۳، سازمان اسناد ملی ایران ۱۴، سازمان تربیت بدنی ۱۵، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۶، بانک مرکزی ۱۷، ستاد کل نیروهای مسلح ۱۸، سازمان ایرانگردی و جهانگردی (اسناد سازمان میراث فرهنگی سابق) ۱۹، انجمن کلیمیان ایران ۲۰، سازمان هواپیمایی کشوری ۲۱، وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات

اسناد موجود در نهادهای مذکور به دو صورت قابل انتشار است:

الف - ارگان یا یک شخصیت حقیقی و منصوب از سوی یکی از مقامات بالای کشور، مأمور جمع آوری، تدوین و انتشار اسناد شود. البته بعدها می توان در مورد تحلیل اسناد که به نحوی آنها را زنده می کند نیز فکر کرد.

ب - هر یک از ارگان ها و نهادهای مذکور با دقت و حساسیت بالا می توانند با جمع آوری اسناد در نهاد مربوطه و مصون نگه داشتن آن از دست نااهلان، به صورت جداگانه اقدام به انتشار آن کنند.

البته روش اول در عین مشکلات و لزوم یک همت عالی، روشی مناسب و موثر خواهد بود. یا ذکر این سهم که تنها به سازمان های مذکور نیز اکتفا نشود و باید به کنکاش در تمام سازمانها و نهادها همت گماشت.

در واقع با انتشار این اسناد می توان حقانیت پیش از پیش انقلاب اسلامی را برای جهانیان آشکار نمود و اینکه رژیم صهیونیستی به چه نیت و مقصودی در این کشور اسلامی، جولان داده است.

در پایان ذکر چند نکته ضروری است:

۱- نگارنده برای معرفی کتاب مکرراً از نام اسرائیل استفاده کرده است و این به معنای مشروعیت بخشیدن به این موجودیت نیست بلکه ضرورت معرفی کتاب، چنین اقتضایی در پی داشته است.

۲- گفرا بودن سمتهای این گزارش به چند دلیل ذیل است.

الف - ذکر بعضی از مطالب این کتاب به دلائل متعدد جایز نیست.

ب - نگارنده بزعم خود بعضی از مطالب مهم را استخراج کرده است و این امکان وجود دارد که دیگران پس از دسترسی به کتاب به گونه ای دیگر آنرا معرفی نمایند.

ج - خلاصه نمودن هر کتابی سخت و این کتاب سخت تر است.